

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران

دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

کتاب الطهارة

سطح ۲

درس نهم

استاد: حجت الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای مهاجری

مقدمه

در درس قبل نه مساله از مسائل مخصوص به تخرلی بیان گردید و مستند دو مساله از این مسائل مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این درس ابتداء مستندات هفت مساله باقیمانده به بحث و تحلیل گذاشته می شود و در ادامه پانزده مساله از مسائل مربوط به کیفیت وضوء بیان می گردد.

برای فهم بهتر این درس توصیه می شود به بحث اطلاق و تقیید اصول فقه مراجعه شود.

متن عربى

- ٣- و أمّا كونه مرة واحدة فلعدة روايات كصحيحة جميل بن دراج عن ابى عبد الله عليه السلام : «إذا انقطعت درة البول فصبّ الماء» فان اطلاق الصبّ يشمل المرة الواحدة.
- ٤- و أمّا القول باعتبار التعدد فمبنى على المناقشه فى الرواية السابقة و امثالها بعدم كونها فى مقام البيان من الناحية المذكورة فيرجع الى الاصل و هو يقتضى التعدد لاستصحاب النجاسة.
- ٥- و أمّا طهارة موضع الغائط بكل قالع فلصحيحة زرارة المتقدمة بناء على فهم المثالية للاحجار بل صحيحة ابن المغيرة عن أبى الحسن عليه السلام: «قلت له: للاستنجاء حد؟ قال لا، ينقى ما ثمة» واضحة فى اعتبار التنقية بأى مزيل.
- ٦- و أمّا طهارة ماء الاستنجاء فلأخبار الدالة على طهارة ملاقيه - بضميمة الملازمة العرفية بين طهارة الملاقى و الملاقى - كصحيحة الاحول عن ابى عبد الله عليه السلام : «أخرج من الخلاء فاستنجى بالماء فيقع ثوبى فى ذلك الماء الذى استنجيت به فقال: لا بأس به»
- ٧- و أمّا اشتراط عدم تغيره فلعوم ما دلّ على نجاسة الماء المتغير باوصاف النجس المتقدم تحت عنوان «المطلق و احكامه».
- ٨- و أمّا اشتراط عدم المصاحبة فلأنّ دليل العفو يدل على العفو من ناحية اصابة النجاسة و هى فى موضعها لا اكثر.
٩. و أما اشتراط عدم اصابة نجاسة أخرى فلأن أخبار العفو تقتضى عدم الانفعال بملاقاة الغائط او البول حال الاستنجاء و غير ناظرة الى الاصابة من ناحية اخرى فيتمسك باطلاق ما دلّ على تنجس الماء القليل بالملاقاة.

الوضوء

كيفية الوضوء

يجب فى الوضوء غسل الوجه ما بين قصاص الشعر و الذقن طولاً و ما بين الابهام و الوسطى عرضاً و المشهور عدم جواز النكس. ثم غسّل اليدين بتقديم اليمنى من المرفق الى اطراف الاصابع بدون نكس . ثم مسح مقدّم الرأس بمقدار المسّمى . ثم مسح الرجلين الى الكعبين كذلك مع مسح اليمنى باليمنى و تقديمها و اليسرى با اليسرى. و يجوز فيه النكس . و يلزم كونه بنداوة الوضوء.

مستند مساله چهارم و پنجم

در مورد احکام مخصوص به تخلی نُه مساله بیان شد و مستند مساله اول که حرمت استقبال و استدبار قبله در حالت تخلی بود و مستند مساله دوم که لزوم طهارت مخرج بول با آب بود، مورد بررسی قرار گرفت.

دلیل مساله سوم که کفایت یکبار شستن برای تطهیر مخرج بول است، صحیحه جمیل بن دراج از امام صادق علیه السلام است که امام علیه السلام به صورت مطلق فرموده: «هنگامیکه بول قطع شد، آب بریز» و اطلاق «صب الماء» شامل یکبار آب ریختن هم می شود یعنی با یکبار شستن مخرج بول، «صب الماء» صدق می کند پس کفایت می کند.

در مقابل برخی قائل به لزوم تعدد شستن شده اند و دلیل آنها این است که در دلالت این روایات خدشه کرده اند که این روایات در مقام بیان تعداد شستن نیست و فقط در مقام بیان این است که لازم است شستن با آب صورت ب پذیرد و در مورد تعدد شستن نمی توان به اطلاق این روایات تمسک نمود زیرا شرط تمسک به اطلاق این است که مطلق در مقام بیان از آن جهت باشد و وقتی که دست ما از روایات کوتاه شد نوبت به اصول عملیه می رسد و در مقام بعد از یکبار شستن شک می کنیم که مخرج بول پاک شد یا نه که استصحاب نجاست حکم به عدم پاک شدن می نماید بنابر این شستن یکبار دیگر لازم است. پس نتیجه استصحاب در مقام لزوم شستن دوباره مخرج بول می باشد. ۱ FG

تطبيق

- ۳- و اما كونه مرة واحدة فلعدة روایات كصحیحة جمیل بن دراج عن ابی عبد الله علیه السلام : «إذا انقطعت درة البول فصب الماء»^۱ فان اطلاق الصبّ يشمل المرة الواحدة.
- ۳- و اما اینکه یکبار شستن کفایت می کند به خاطر تعدادی از روایات مثل صحیحه جمیل بن دراج از امام صادق علیه السلام: «هنگامیکه ریزش بول قطع شد، آب بریز» است زیرا اطلاق ریختن شامل یک مرتبه می شود.
- ۴- و أمّا القول باعتبار التعدد فمبنى على المناقشه فى الروایة السابقة و امثالها بعدم كونها فى مقام البيان من الناحية المذكورة فيرجع الى الاصل و هو يقتضى التعدد لاستصحاب النجاسة.
- ۴- و اما قول به لزوم شستن دوبار مبتنی است بر مناقشه در روایت گذشته و امثال آن به این که این روایات در مقام بیان از ناحیه مذکور (تعدد شستن) نیستند پس به اصل عملی رجوع می شود و اصل عملی به خاطر استصحاب نجاست، مستلزم دوبار شستن است.

Sco1:6: 15

مستند مساله پنجم

مساله پنجم این بود که مخرج غائط با هر چیزی که زائل کننده عین نجاست باشد، پاک می شود مستند این مساله دو روایت است:

۱. وسائل الشیعه، باب ۳۱ من ابواب احکام الخلو، حدیث ۱.

الف. صحیحہ زرارہ کہ گذشت و در آن وارد شده بود که: «یجزیک من الغائط ثلاثه احجار» به این معنا که برای پاک شدن مخرج غائط سه سنگ کفایت می کند پس معلوم است که با سنگ می توان مخرج غائط را پاک نمود.

اشکال

روایت فقط به سنگ اشاره دارد و شامل موارد دیگری مثل پارچه که نجاست را زائل می کند نمی شود.

جواب

سنگ در روایت از باب مثال است و از این باب ذکر شده است که در دسترس افراد بوده است و الا عرف از این روایت می فهمد که ملاک تطهیر مخرج غائط قدرت زوال عین نجاست است و سنگ خصوصیتی ندارد.

ب. صحیحہ عبد الله بن مغیره که در آن ابو الحسن علیه السلام در جواب ابن مغیره که در مورد حد استنجاء سوال کرد، فرمود: «حدی ندارد و مهم این است که محل پاک شود» پس معلوم می شود که مهم رفع شدن نجاست است و لازم نیست که حتماً از آب استفاده شود.

FG ۲

تطبیق

۵- و أمّا طهارة موضع الغائط بكل قاع فلصحیحة زرارة المتقدمة بناء على فهم المثالية للاحجار بل صحیحة ابن المغيرة عن أبي الحسن عليه السلام: «قلت له: للاستنجاء حد؟ قال لا، ینقی ما ثمة»^۱ واضحة فی اعتبار التنقیة بأی مزیل.

۵- و اما پاک شدن مخرج غائط به هر چیزی که از بین برنده عین نجاست باشد به دلیل صحیحہ گذشته زرارہ بنا بر فهم مثال بودن در مورد سنگها می باشد بلکه صحیحہ عبد الله بن مغیره از ابی الحسن علیه السلام: «به او گفتم: آیا استنجاء حد و شرطی دارد؟ فرمود: نه، آنجا را پاک نماید» به وضوح در این مطلب که فقط پاک کردن عین نجاست با هر زائل کننده ای معتبر است، دلالت دارد.

SCO۲: ۱۰: ۴۰

مستندات مسأله ششم و هفتم

مسأله ششم این بود که آب استنجاء پاک است و مسأله هفتم این بود که شرط اول پاک بودن آن این است که یکی از اوصاف سه گانه آن به واسطه برخورد با نجاست تغییر نکرده باشد.

مستند مسأله ششم صحیحہ احوال از امام صادق علیه السلام است که راوی سوال می کند که لباس من هنگام خروج از بیت الخلاء به آب استنجاء برخورد می کند آیا اشکال دارد؟ و امام علیه السلام در جواب او می فرماید: اشکالی ندارد.

این روایت بر این مطلب دلالت دارد که لباس ملاقات کننده با آب استنجاء پاک است و به ضمیمه اینکه عرف بین طهارت ملاقات کننده (لباس) با طهارت ملاقات شونده (آب استنجاء) ملازمه می بیند نتیجه می گیریم که آب استنجاء هم پاک می باشد و الا اگر آب نجس بود لباس هم نجس می شد.

۱. نفس المصدر، باب ۱۳ من ابواب احکام الخلو، حدیث ۱.

مستند مساله هفتم همان عموماتی است که در بحث آب مطلق گذشت و بر این دلالت داشت که آب در صورت تغییر بواسطه نجاست، متنجس می شود.

FG ۳

تطبيق

۶- و أمّا طهارة ماء الاستنجاء فللأخبار الدالة على طهارة ملاقيه - بضميمة الملازمة العرفية بين طهارة الملاقى و الملاقى - كصحيحة الاحول عن ابى عبد الله عليه السلام : «اخرج من الخلاء فاستنجى بالماء فيقع ثوبى فى ذلك الماء الذى استنجيت به فقال: لا بأس به»^۱

۶- و اما پاک بودن آب استفاده شده در طهارت مخرج بول یا غائط به خاطر روایاتی است که دلالت بر پاک بودن چیزی می کند که با این آب برخورد کرده است - به ضمیمه ملازمه عرفی بین طهارت برخورد کننده (لباس) با طهارت برخورد شونده (آب استنجاء) - مثل صحیحه احوال از امام صادق علیه السلام : «از بیت الخلاء خارج می شوم و با آب خودم را شستشو می کنم پس لباسم در آبی می افتد که با آن خودم را پاک نموده ام (آیا اشکال دارد) پس فرمود: اشکالی ندارد».

۷- و أمّا اشتراط عدم تغيره فلعموم ما دلّ على نجاسة الماء المتغير باوصاف النجس المتقدم تحت عنوان «المطلق و احكامه».

۷- و اما شرط بودن عدم تغییر آب استنجاء (برای پاک بودن آن) به خاطر عموم روایاتی است که در بحث «آب مطلق و احکام آن» گذشت و بر نجاست آب در صورت تغییر آن بوسیله اوصاف نجاست دلالت داشت.

Scor: ۱۹:۰۵

مستند مساله هشتم و نهم

مساله هشتم این بود که یکی از شرائط پاک بودن آب استنجاء دم وجود ذرات نجاست به همراه آن است . مستند این مساله این است که از ادله طهارت آب استنجاء مثل صحیحه احوال استفاده می شود که این آب از ناحیه برخورد با نجاست متنجس نمی شود و لو اینکه قلیل باشد ولی از آن استفاده نمی شود که این آب در صورت همراه داشتن ذرات نجاست متنجس نیست پس در صورتی که ذرات نجاست همراه آب استنجاء باشد، بر طبق ادله نجاست آب قلیل به مجرد برخورد با نجاست، این آب متنجس می شود.

مساله نهم این بود که یکی از شرائط پاک بودن آب استنجاء عدم برخورد آن با نجاست دیگر می باشد.

مستند این مساله این است که ادله طهارت آب استنجاء ناظر به عدم نجاست آن بواسطه برخورد با بول یا غائط است و به سائر نجاسات نظری ندارد پس در مورد سائر نجاسات بر طبق ادله، به نجس شدن آب استنجاء در صورت برخورد با آنها حکم می نمایم.

FG ۴

۱ . نفس المصدر، باب ۱۳ من ابواب الماء المضاف، حدیث ۱.

تطبيق

۸- و أمّا اشتراط عدم المصاحبة فلأنّ دليل العفو يدل على العفو من ناحية اصابة النجاسة و هي في موضعها لا اكثر. و اما شرط بودن عدم همراهی با ذرات نجاست به خاطر این است که دلیل عفو از نجاست آب استنجا، بر عفو از ناحیه برخورد این آب با نجاست دلالت دارد در حالیکه نجاست در جای خودش باقی مانده باشد نه بیشتر. (پس اگر نجاست با آب همراه شده باشد عفو از آن بدست نفي آید و به ادله دیگر مراجعه می کنیم).

۹- و أمّا اشتراط عدم اصابة نجاسة أخرى فلأنّ أخبار العفو تقتضي عدم الانفعال بملاقاة الغائط او البول حال الاستنجا و غیر ناظره الى الاصابة من ناحية اخرى فيتمسك باطلاق ما دلّ على تنجس الماء القليل بالملاقاة.

و اما شرط بودن عدم برخورد با نجاست دیگری (غیر از بول و غائط) به خاطر این است که اخبار عفو مستلزم عدم تاثر آب استنجا در حال استنجا از بول یا غائط است و ناظر به برخورد آب استنجا به نجاسات دیگر نیست پس در مورد سائر نجاسات به اطلاق ادله ای تمسک می شود که دلالت بر نجس شدن آب قلیل به صرف برخورد با نجاست را دارند.

Sc04: ۲۳:۱۴

مسائلی در مورد کیفیت وضوء

مباحث وضوء جزء مباحث اصلی کتاب الطهاره است زیرا این کتاب در قسم عبادات واقع شده است و وضوء هم جزء عبادات است ولی مباحث مربوط به آبها و احکام تخلی جزء مباحث اصلی کتاب الطهاره نیست زیرا مشروط به قصد قربت نفي باشد و عبادت نیست.

در مورد کیفیت وضوء پانزده مساله عنوان می شود:

مساله اول:

وضوء مرکب از دو شستن و دو مسح است؛ شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها.

مساله دوم:

صورت در وضوء از نظر طول از رستنگاه موها تا چانه و از نظر عرض به اندازه فاصله بین شصت و انگشت وسط شسته می شود.

مساله سوم:

شستن صورت باید از بالا به پایین صورت پذیرد و عکس این صورت جایز نیست.

مساله چهارم:

دستها باید از آرنج تا سر انگشتان شسته شود.

مساله پنجم:

شستن دست باید از آرنج به طرف پایین دست باشد و عکس این صورت جایز نیست.

مساله ششم:

لازم است اول دست راست شسته شود.

مسأله هفتم:

مسح باید بر قسمت جلوی سر صورت پذیرد نه همه قسمت‌های آن.

مسأله هشتم:

در مورد مسح سر، مسمای مسح کفایت می‌نماید.

مسأله نهم:

پاها هم باید مسح شود و شستن آن جایز نیست.

مسأله دهم:

مسح پا تا برآمدگی روی پاها کافی است و مسح خود برآمدگی لازم نیست.

مسأله یازدهم:

از نظر عرض مسح در پاها، مسمای مسح کفایت می‌کند و لازم نیست با تمام انگشتان باشد.

مسأله دوازدهم:

مسح پای راست باید با دست راست و مسح پای چپ باید با دست چپ صورت پذیرد.

مسأله سیزدهم:

مسح پای راست باید مقدم باشد.

مسأله چهاردهم:

در مورد مسح پا و سر می‌توان به عکس صورت متعارف هم مسح نمود.

مسأله پانزدهم:

لازم است که مسح سر و پاها با رطوبت وضوء صورت پذیرد نه رطوبت آب خارجی.

تطبیق

الوضوء

کیفیه الوضوء

يجب في الوضوء غَسْلُ الوجه ما بين قصاص الشعر و الذقن طولاً و ما بين الابهام و الوسطى عرضاً و المشهور عدم جواز

النكس.

وضوء

کیفیت وضوء

در وضوء شستن صورت از رستنگاه مو تا چانه از حیث طول و فاصله بین شصت و انگشت وسط از حیث عرض واجب است و مشهور این است که شستن به عکس این شکل جایز نیست.

ثم غَسْلُ اليدين بتقديم اليمنى من المرفق الى اطراف الاصابع بدون نكس . ثم مسح مقدم الرأس بمقدار المسمى . ثم مسح

الرجلين الى الكعبين كذلك مع مسح اليمنى باليمنى و تقديمها و اليسرى باليسرى . و يجوز فيه النكس . و يلزم كونه بنداوة

الوضوء.

سپس (واجب است) شستن دستها به مقدم کردن دست راست از آرنج تا سر انگشتان نه به صورت عکس (که جایز نیست). سپس (واجب است) مسح نمودن قسمت جلوی سر به مقدار مسمای مسح و مسح نمودن دو پا تا برآمدگی روی پا به مسمای مسح به شکلی که پای راست با دست راست مسح شود و پای چپ با دست چپ و در مسح عکس صورت متعارف هم جایز است. و لازم است که مسح با رطوبت وضوء باشد.

Sc05: ۳۱: ۴۱

چکیده

۱. کفایت یکبار شستن مخرج بول با آب به دلیل روایاتی مثل صحیحۀ جمیل بن دراج است که در آنها صرف ریختن آب واجب شده است که بر یکبار هم صدق می‌نماید.
۲. قائل به لزوم تعدد شستن، روایات مذکور را از حیث تعداد شستن در مقام بیان می‌داند و لذا به کمک استصحاب نجاست لزوم دوبار شستن را اثبات می‌نماید.
۳. طهارت مخرج غائط به هر چیزی که زائل کننده غ ی ن نجاست باشد، بواسطه صحیحۀ زراره و فهم مثالیت در مورد احجار و صحیحۀ ابن مغیره به دست می‌آید.
۴. طهارت آب استنجا به خاطر اخبار دال بر طهارت ملاقی به علاوه ملازمه عرفی بین طهارت ملاقی و طهارت ملاقی می‌باشد.
۵. اشتراط عدم تغیر آب استنجا به اوصاف نجاست ب رای پاک بودن آن به خاطر عموم روایاتی است که آب را در صورت تغیر متنجس می‌داند.
۶. اشتراط عدم همراهی آب استنجا با بول یا غائط برای پاک بودن آن به خاطر این است که اخبار عفو، دلالت بر عفو از ناحیه برخورد با نجاست می‌نماید نه عفو از ناحیه سائر جهات.
۷. اشتراط عدم برخورد آب استنجا با نجاست دیگری غیر از بول و غائط ، به خاطر این است که اخبار عفو، دلالت بر عفو از ناحیه برخورد با بول یا غائط را دارد نه سائر نجاسات.
۸. در وضوء، شستن صورت از رستگاه موها تا چانه از نظر طول و به اندازه فاصله بین شصت و انگشت وسط از نظر عرض واجب است و شستن به عکس این صورت جایز نیست.
۹. بعد از صورت لازم است که دو دست از آرنج تا سر انگشتان شسته شود و لازم است اول دست راست شسته شود و شستن به عکس این صورت جایز نیست.
۱۰. بعد از دستها لازم است که قسمت جلوی سر مسح گردد و مسمای مسح کافی است.
۱۱. بعد از مسح سر لازم است که پاها تا برآمدگی رو پا مسح گردد و مسمای مسح کافی است . لازم است که مسح پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ صورت پذیرد.
۱۲. لازم است که مسح با رطوبت حاصل از آب وضوء صورت پذیرد.